



پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

در رشته روابط بین الملل

موضوع

تحلیل رویکرد اقتصاد جنگ با نگاه موردی به جنگ ایران و عراق

استاد راهنما

جناب آقای دکتر جعفری ولدانی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر نورمحمدی

پژوهشگر

سیده صدیقه فاطمی

سال تحصیلی: ۹۰-۹۱

فهرست مطالب

Contents

۵	چکیده.....
۶	مقدمه.....

فصل اول: کلیات پژوهش

۸	۱-۱ طرح مسئله و تعریف موضوع.....
۱۰	۱-۲ انگیزه‌های انتخاب موضوع.....
۱۱	۱-۳ اهداف تحقیق.....
۱۲	۱-۴ سوال اصلی.....
۱۲	۱-۵ فرضیه اصلی.....
۱۲	۱-۶ پیشینه و ادبیات موضوع.....
۱۳	۱-۷ متغیرهای پژوهش.....
۱۴	۱-۸ ابعاد زمانی و مکانی موضوع (حدود و ثغور پژوهش).....
۱۴	۱-۹ موانع و مشکلات موجود.....
۱۴	۱-۱۰ روش تحقیق.....
۱۴	۱-۱۱ روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها.....
۱۵	۱-۱۲ جامعه آماری: روش نمونه‌گیری حجم نمونه:.....
۱۵	۱-۱۳ تعریف مفاهیم پژوهش.....
۱۷	۱-۱۴ سازمان‌دهی تحقیق.....

فصل دوم: مبانی نظری

۲۰	۲-۱ جنگ.....
۲۶	۲-۲ اقتصاد در جنگ.....
۲۸	۲-۳ اقتصاد در جنگ به‌عنوان سیاست (خط مشی).....
۳۰	۲-۴ پیوند استراتژیک عوامل در جنگ.....
۳۳	۲-۵ فعالیت تولیدی.....
۳۶	۲-۶ رشد اقتصادی و جنگ.....
۳۹	۲-۷ برنامه‌ریزی دولت در جنگ.....
۴۳	۲-۸ فن‌آوری و جنگ.....

- ۲-۹ جنگ، جمعیت و نیروی کار..... ۴۵
- ۲-۱۰ جنگ، کشاورزی و مواد غذایی (اقتصاد عرضه مواد غذایی در زمان جنگ)..... ۴۶
- ۲-۱۱ مداخله نظامی در اقتصاد..... ۴۷

فصل سوم: جنگ تحمیلی عراق - ایران؛ انگیزه‌ها و علل

- ۳-۱ سطح جهانی..... ۵۰
- ۳-۲ سطح منطقه‌ای..... ۵۳
- ۳-۳ سطح ملی..... ۵۷

فصل چهارم: اقتصاد در مقطع جنگ

- ۴-۱ جهت‌گیری اقتصادی و دوری از سازو کارهای بازار در جنگ..... ۷۴
- ۴-۲ نقش اقتصادی دولت در جنگ..... ۷۶
- ۴-۳ برنامه‌ریزی و کنترل‌های اقتصادی در جنگ..... ۹۰
- ۴-۴ رشد اقتصادی و جنگ..... ۹۳
- ۴-۵ صنعت - فن‌آوری و جنگ..... ۹۵
- ۴-۶ جنگ، جمعیت و نیروی کار..... ۹۸
- ۴-۷ جنگ، کشاورزی و مواد غذایی (اقتصاد عرضه مواد غذایی در زمان جنگ)..... ۱۰۲
- ۴-۸ مداخله نظامی در اقتصاد..... ۱۰۴

فصل پنجم: عوامل منتهی به اتمام جنگ تحمیلی عراق - ایران

- ۵-۱ شورای امنیت سازمان ملل در برابر جنگ تحمیلی..... ۱۱۰
- ۵-۲ ایدئولوژی و نظام باوری ایران و واکنش در مقابل قطعنامه..... ۱۲۱
- ۵-۳ بین‌المللی کردن..... ۱۳۲
- ۵-۴ تغییر موازنه، حملات پایانی عراق..... ۱۴۴
- ۵-۵ عامل اقتصادی..... ۱۴۸
- نتیجه‌گیری..... ۱۶۴
- فهرست منابع..... ۱۶۹

فهرست جداول:

۶۴	جدول ۳-۱ مقایسه‌ای برخی از شاخص‌های عمده اقتصادی کشور در مقطع زمانی پیش از انقلاب و پیش از جنگ
۶۵	جدول ۳-۲ تولید و صادرات نفت خام و درآمد ارزی کشور از صادرات نفت (میلیون دلار)
۷۸	جدول ۴-۲-۱ اندازه دولت در اقتصاد
۷۸	جدول ۴-۲-۲ اندازه دولت عمومی در اقتصاد ایران
۷۸	جدول ۴-۲-۳ اندازه بخش عمومی در اقتصاد ایران
۸۱	جدول ۴-۲-۴ بررسی شاخص‌های اقتصادی در ادوار زمانی مختلف، پیش از انقلاب و در زمان جنگ
۸۴	جدول ۴-۲-۵ کسری بودجه در سال‌های جنگ، میلیارد ریال
۸۶	جدول ۴-۲-۶ ارزش صادرات کالا (نفتی و غیرنفتی) - میلیون دلار
۸۷	جدول ۴-۲-۷ ارزش صادرات غیرنفتی در جنگ تحمیلی - میلیون دلار
۸۸	جدول ۴-۲-۸ تراز تجاری کشور، میلیون دلار
۹۰	جدول ۴-۲-۹ نرخ تورم در سال‌های جنگ، براساس شاخص قیمت مصرف کننده
۹۲	جدول ۴-۳-۱ جدول ضریب جینی در سال‌های جنگ
۱۰۱	جدول ۴-۶-۱ نرخ بیکاری در سال‌های جنگ
۱۰۷	جدول ۴-۸-۱ آمار حملات علیه کشتی‌ها
۱۲۳	شکل ۵-۲-۱ الگوی روحیه و عوامل تاثیرگذار بر عملکرد افراد از نظر لبارک
۱۴۶	جدول ۵-۴-۱: شش ماهه اول ۱۳۶۷: The first four months of 1367
۱۵۰	جدول ۵-۴-۲ عدم توازن نیروها: Imbalance of Power (1980-1987)
۱۵۳	جدول ۵-۵-۱-۱ خسارت‌های وارد شده بر ایران در جنگ تحمیلی
۱۵۳	جدول ۵-۵-۱-۲ خسارت مستقیم وارد شده به بخش‌های مختلف
۱۵۴	جدول ۵-۵-۱-۳ خسارت غیرمستقیم وارد شده به بخش‌های مختلف
۱۵۴	جدول ۵-۵-۱-۴ خسارت مستقیم سال‌های جنگ تحمیلی
۱۵۵	شکل ۵-۵-۱-۵ سهم سال‌های مختلف از خسارت‌های مستقیم جنگ
۱۵۶	جدول ۵-۵-۱-۶ خسارت مستقیم و غیرمستقیم وارد شده به بخش‌های مختلف
۱۵۶	جدول ۵-۵-۱-۷ خسارات مستقیم وارده به زیربخش نفت خام
۱۵۷	جدول ۵-۵-۱-۸ خسارات مستقیم وارده به زیربخش فرآورده‌های نفت
۱۵۷	جدول (۵-۵-۱-۹) تولید، صادرات و درآمد ارزی کشور از صادرات نفت خام (میلیون بشکه، میلیارد دلار)
۱۵۸	جدول ۵-۵-۱-۱۰ تولید نفت خام به تفکیک مناطق مختلف نفتی (هزار متر مکعب)
۱۵۹	جدول ۵-۵-۱-۱۱ نفت خام تصفیه شده در پالایشگاه‌های داخلی کشور در سال‌های مختلف (هزار متر مکعب)
۱۵۹	جدول ۵-۵-۱-۱۲ نفت خام تصفیه شده در پالایشگاه‌های داخلی کشور را در سال‌های مختلف (هزار متر مکعب)
۱۶۰	جدول ۵-۵-۱-۱۳ ارزش صادرات نفت و فرآورده‌های آن و گاز در طی سال‌های ۶۷-۱۳۵۳ واحد میلیون دلار
۱۶۰	جدول ۵-۵-۱-۱۴ خسارات مستقیم وارده به بخش نفت
۱۶۱	جدول ۵-۵-۱-۱۵ کل خسارات وارده به بخش نفت
۱۶۲	جدول ۵-۵-۱-۱۶ هزینه‌های دولت بر حسب امور، میلیارد ریال
۱۶۲	جدول ۵-۵-۱-۱۷ سهم و هزینه امور دفاعی از کل هزینه‌های دولت در سال‌های جنگ،
۱۶۲	جدول ۵-۵-۱-۱۸ نرخ تورم در سال‌های جنگ، براساس شاخص قیمت مصرف کننده
۱۶۳	جدول ۵-۵-۱-۱۹ وضعیت درآمد سرانه و نرخ بیکاری در سال‌های جنگ

مقدمه

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از رخداد‌های مهم تاریخ معاصر ایران و همچنین واقعه‌ای تاثیرگذار در تاریخ منطقه و جهان محسوب می‌شود. به‌گونه‌ای که از یک سو یادآور به منصف ظهور رسیدن دلاوری‌ها و فداکای‌های ملت ایران در دفاع از وطن می‌باشیم و از دیگر سو بیان‌کننده تحمیل آسیب‌ها و خسارات اقتصادی وارده بر پیکره کشور به طور اعم و بر اقتصاد ایران به طور اخص می‌باشیم. چنان‌چه اثرات مثبت و منفی واقعه یادشده، در تمامی ابعاد اقتصادی و اجتماعی تا به امروز ظهور و بروز دارد. لذا شناخت بیشتر و تمرکز بر رخدادها و وقایع جنگ تحمیلی و اثرگذاری آن بر اقتصاد کشور، ضروری و غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد.

در این راستا شاهدیم؛ تحریم‌های بین‌المللی در کنار اقتصاد به شدت متکی بر درآمدهای نفتی ایران و نوسانات جریان تولید و صدور آن، تخصیص بخش قابل توجهی از بودجه کشور، سرمایه‌های انسانی و سایر منابع به امور دفاعی، به همراه استراتژی عراق مبنی بر آسیب و انهدام بخش‌های موثر اقتصادی و اشغال بخشی از اراضی حاصلخیز و نابسامانی‌های ناشی از مهاجرت‌ها و به‌طورکل مشکلات یک اقتصاد درگیر جنگ پی‌آمد آشکار و واضح آن است که این همه موجب شد تا ساختار و مدیریت اقتصاد کشور با مشکلات بسیار روبه‌رو شود. که می‌توان تحولات آن را در جریان جنگ و ادامه آن تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بررسی و مورد توجه قرار داد.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ طرح مسئله و تعریف موضوع

جنگ، علاوه بر ابعاد نظامی و سیاسی که به طور معمول به آن پرداخته می‌شود، دارای جنبه‌های متعدد دیگری است و تاثیر فراوانی در سایر بخش‌ها از جمله؛ اجتماع، فرهنگ و اقتصاد دارد. لذا همانگونه که واکاوی جنگ‌ها از جنبه‌های نظامی و سیاسی ضروری است و از نتایج آن روشن شدن ضعف‌ها و قوت‌های دو طرف درگیر و فراگیری درس‌هایی برای حال و آینده است، "اقتصاد" نیز از مهم‌ترین موضوعات دوران جنگ است. آثار متقابل جنگ و اقتصاد به خوبی مشهود است.

وقوع جنگ وضعیت خاصی را به اقتصاد هر کشور تحمیل می‌کند که کم و بیش اتخاذ سیاست‌های مشخص و معینی را در پی خواهد داشت. اقتصاد در دوران جنگ برای اغلب کشورها می‌تواند مشابه باشد، به گونه‌ای که حتی شاهدیم کشورهایی را که از نظام بازار تبعیت می‌کنند نیز در اغلب موارد در وضعیتی مشابه با کشورهای متمرکز قرار می‌گیرند. البته باید اذعان نمود که به دلیل تفاوت‌هایی که در اوضاع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، زمانی و مکانی کشورها در دوران جنگ نسبت به یکدیگر وجود دارد، مقایسه مدیریت اقتصادی آنها با یکدیگر در دوران جنگ با توجه به دخیل بودن متغیرهای کمی و کیفی متفاوت، امری دشوار است.

جنگ تحمیلی ۸ ساله ایران و عراق از وقایع بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران و رخدادی پراهمیت در تاریخ منطقه و جهان محسوب می‌شود. در این مقطع شاهدیم؛ تامین منابع مالی مورد نیاز برای اداره جنگ و نیز تجهیز منابع لازم برای نوسازی اقتصاد به جامانده از رژیم سابق که در عین حال متاثر از بحران وقوع انقلاب نیز می‌باشد، از جمله مسائل فوری کشور به شمار می‌رفت. این مهم و همچنین ارائه الگوی مناسب اقتصادی و ایجاد اقتصادی برپایه عدالت، از اهم وظایف و ضروریات اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شد.

بدین ترتیب، از دیدگاه رشد و توسعه اقتصادی، بروز جنگی ناخواسته و تحمیلی که بخش قابل توجهی از منابع اقتصادی و انسانی کشور را به خود جذب می‌نمود، پدیده‌ای نامطلوب و مخرب محسوب می‌شد. از این رو اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر مناسب که بتواند مضار این جنگ را به حداقل کاهش دهد، مدیریت انقلابی کشور را با چالش جدی مواجه نمود. به هر حال در زمان جنگ، دولت‌ها سعی می‌کنند در کنار برنامه‌ها و عملیات نظامی، با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب، ضمن اولویت بخشیدن به تجهیز منابع مورد نیاز جنگ، نیازهای اساسی اقتصادی جامعه را با نظارت بیشتر در اختیار همگان قرار دهند. بدین سبب نوع سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده در این دوره، با سیاست‌های اقتصادی در شرایط عادی به طور اساسی متفاوت است. به طور معمول در جنگ‌ها، استفاده از توان اقتصادی هر کشور، در جهت دسترسی به اهداف جنگ در اولویت قرار می‌گیرد. از طرف دیگر در این شرط

فوق‌العاده، شاهد اتخاذ تاکتیک‌هایی برای ایجاد فشار مضاعف اقتصادی به طرف مقابل می‌باشیم. بدین ترتیب که یک سلسله عملیات جنگی برای تخریب مراکز اقتصادی و از کار انداختن چرخ اقتصادی یک کشور صورت می‌گیرد به‌گونه‌ای که دیگر طرف مقابل قادر به ادامه نبرد در میدان جنگ نباشد. در دوران ۸ ساله جنگ تحمیلی، رژیم بعث عراق همواره انهدام و نابودی زیرساخت‌ها و تاسیسات زیربنایی کشور را جهت مسدود کردن امکان ادامه مقاومت پیگیری می‌کرد. چنانچه در این مقطع شاهدیم عراق و حامیان آن، علاوه بر عرصه نظامی، با استفاده از شیوه‌هایی نظیر: تحریم اقتصادی، خودداری از خرید نفت ایران، واگذاری تجهیزات پیشرفته هوایی و موشکی به عراق برای حمله به پایانه‌ها و تاسیسات نفتی، کشتی‌های حامل کالا و نیز نفت‌کش‌های حامل نفت ایران، راه‌اندازی جنگ قیمت‌ها، و کاهش قیمت نفت تا ۶ دلار برای هر بشکه، زدن پالایشگاه‌ها و... سعی در شکست ایران از طریق اقتصادی داشتند.

بررسی اوضاع اقتصادی ایران در مقطع پایانی جنگ نشانگر آن است که اقتصاد کشور در زمینه‌های مختلف شرایط مساعدی نداشته است. رکود شدید اقتصادی، رشد منفی GDP در حد منفی ۲/۷ درصد، کاهش ۱۴/۴ درصدی دریافت ارزی کشور نسبت به سال قبل همراه کسری موازنه ارزی کشور در حد ۱/۸ میلیارد دلار، خروج شدید سرمایه با ۶۰٪ رشد، عدم تحقق ۲۳٪ از درآمدهای دولت و... که متاثر از عوامل یادشده فوق بود، شرایط نامطلوبی را برای ایران فراهم ساخت.

به هر حال اقتصاد ایران با فراز و فرودها و محدودیت‌ها و امکانات کمی که در اختیار داشت، توانست به بقای خود ادامه دهد. حتی می‌توان در دوره‌هایی مطلوبیت برخی متغیرهای اقتصادی را مشاهده کرد. با این وجود، در رابطه با این جنگ شاهدیم تاکتیک‌های جنگ اقتصادی به گونه موفقیت آمیزی به کار گرفته شد و توانست تاثیر به‌سزایی در اقتصاد و در نتیجه آن مسائل جاری در کشور داشته باشد و متقابلان با ایران با درک مناسب از تاکتیک‌های جنگ اقتصادی و با هماهنگی دقیق در اعمال آن از سوی متجاوزان به نتایج قابل تاملی (حداقل در اتمام جنگ و جلوگیری از دستیابی ایران به اهداف ترسیم شده اش در پیروزی نهایی و سقوط حزب بعث) دست یابند. از این دیدگاه، اهرم اقتصادی با موفقیت‌های تاکتیکی، نقش خود را در متوقف ساختن جمهوری اسلامی ایران به خوبی ایفا نمود.

۲-۱ انگیزه‌ها و اهداف و علل انتخاب موضوع

برادل (F. Braudel) با مطالعه جنگ به‌عنوان طیفی از تضادها و منازعات گروهی، همچون کلازویتر (Clausewitz) و مارکس (Marx) براین باور است که نمی‌توان جنگ را شناخت، اگر آن را از تحولات غیرنظامی جدا کنیم. تحولاتی که هم بر جنگ موثر است و هم از آن تاثیر می‌پذیرد.

یکی از مهم‌ترین اتفاقات ایران، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سوق دادن کشور در شرایطی نامساعد از لحاظ سیاسی و اجتماعی به سمت جنگی نابرابر و تحمیلی بود که هیات اعزامی سازمان ملل در سال ۱۳۶۹ شمسی (۱۹۹۰ میلادی) از آن به‌عنوان تراژدی غیرقابل تصور یاد کرد.

در بررسی جنگ تحمیلی ۸ ساله ایران و عراق بیشتر به ابعاد نظامی و سیاسی پرداخته شده است و اثرات مخرب آن بر اقتصاد و پیامدهای خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم آن که تا چند دهه می‌تواند گریبان‌گیر یک کشور باشد کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. آگاهی از وضعیت حاکم در این مقطع زمانی، بدون شک از ضروریات منطقی است که می‌تواند راهنمای جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی باشد.

در دوران جنگ علاوه بر تحمیل خسارت‌های جبران‌ناپذیر مستقیم بر کشور و تبعات آن مشکلات دیگری نظیر به هم ریختن تعادل‌های اقتصادی، کاهش تولید، کسری بودجه دولت، استقراض از بانک مرکزی و چاپ اسکناس، ضربه به بازار سرمایه، کاهش و توقف سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، کاهش پس‌انداز، فشار تورمی، گسترش بخش دلالی و خدمات نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی، افزایش حجم دولت و نیز دخالت دولت در امور اقتصادی، افزایش مصرف کالاهای کم دوام نسبت به کالاهای سرمایه‌ای، مهاجرت‌های داخلی و خارجی نخبگان و خروج سرمایه از کشور باعث توقف و حتی سیر نزولی توسعه یک کشور می‌شود در شرایطی که تمام کشورهای دنیا در حال حرکت به سمت توسعه و دستیابی به شاخص‌های علمی، رفاهی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. حمله‌های گسترده رژیم بعث عراق به کشورمان، اقتصاد ایران را با مشکلات اساسی مواجه کرد و اقداماتی که قرار بود برای رفع مشکلات اقتصادی از جمله کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، اجرا شود، تحت تاثیر جنگ قرار گرفت.

رکود شدید اقتصادی وضعیت نگران‌کننده شاخص‌های اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی، فشارهای شدید بین‌المللی، افزایش نبردهای زمینی و همچنین شدت حملات عراق به مراکز اقتصادی و غیرنظامی، گسترش و شدت جنگ نفتکش‌ها، حضور ناوگان جنگی قدرت‌های شرق و غرب و درگیری مستقیم با آمریکا از خصوصیات مقطع پایانی جنگ بوده است. در این میان فشارهای بین‌الملل نقش

عمده‌ای داشت زیرا هم منجر شد که ایران به بازارهای معمول و ارزان اسلحه دسترسی نداشته باشد در نتیجه برای تهیه تسلیحات جنگی و ادوات نظامی و حتی لوازم یدکی آنها با مشکلات بسیار و متحمل شدن هزینه‌های بیشتر مواجه شد و هم دخالت قدرت‌های خارجی و کشورهای منطقه مانع از پیروزی سریع و قاطع ایران بر عراق شد. به هر حال بررسی شاخص‌های اقتصادی در این دوره حاکی از رکود شدید اقتصادی است که از سال ۱۳۶۵ شروع و در سال ۱۳۶۷ به عمق خود رسید که مهم‌ترین دلیل آن کاهش بسیار شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی از ماه‌های آخرین سال ۱۳۶۴ بود. از سال ۱۳۶۵ تا پایان جنگ به دلیل شرایط سخت حادث شده، کوشش دولت از لحاظ اقتصادی، حفظ کشور و نظام است، دولت با این هدف تلاش‌ها را در دو زمینه بیش از پیش مورد توجه قرار داده و متمرکز کرده است، یکی آنکه چگونه امکانات جنگی را فراهم کند دوم: آنکه مواد غذایی و مایحتاج اولیه مردم را چگونه تامین نماید. در ۳ سال پایانی جنگ این دو موضوع بیشترین دغدغه مدیریت اقتصادی کشور بود.

با اوصافی که از شرایط و جو حاکم در آن مقطع گذشت، ادامه جنگ با فرض ثابت گرفتن دیگر فاکتورها برای ادامه آن، نمی‌توانست به دور از خطرات بیشتر برای بقاء نظام باشد. بنابراین ضروریست واکاوی‌های دوران جنگ، در تصمیم‌سازی‌های حال حاضر، مورد توجه قرار گیرد. چرا که تجربه جنگ تحمیلی هشت ساله همچنان می‌تواند (با وجود دست‌آوردهای قابل ملاحظه و توجه به این امر که وقوع جنگ خارج از اراده مستقیم ایران) برای کاهش مضار جنگ مشابهی که می‌تواند با ماجراجویی‌های نسنجیده تحمیل شود، مورد استفاده قرار گیرد.

برای جلوگیری از قربانی شدن هزاران انسان بی‌دفاع باید عواقب انسانی و مادی جنگ توسط آحاد یک ملت

درک شود، در آن صورت احتمالاً جنگ کمتری به وقوع می‌پیوندد.

۳-۱ اهداف تحقیق

- توصیف و تحلیل مقطع مهمی از تاریخ کشور ایران در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.
- تبیین جنگ و بحران ناشی از آن برای اقتصاد.
- تشریح سیاست‌های اعمالی دولت در زمان جنگ (احتیاجات یک کشور برای تحمل جنگ و پیروزی در جنگ)
- استفاده از تجربیات دوران جنگ تحمیلی با هدف جلوگیری از تکرار تجربه‌های با هزینه‌های غیرقابل جبران

۴-۱ سوال اصلی

با توجه به مسائل یادشده :

مهم‌ترین عوامل تاثیرگذاری که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ایران را وادار به قبول آتش‌بس از خلال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و خاتمه جنگ ساخت، چه بود؟

۵-۱ فرضیه اصلی

با وجود عواملی که هر یک به نوع و میزان قابل ملاحظه‌ای در پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دخیل بوده‌اند، از جمله: عوامل نظامی، عوامل بین‌المللی، حقوقی (متن قطعنامه)، بحران‌های داخلی ... که هر یک به میزان متنابهی در این امر دخیل بودند، لیکن با در نظر گرفتن اهمیت و تاثیرگذاری دیگر متغیرها به نظر می‌رسد عامل وضعیت اقتصادی به‌عنوان یکی از فاکتورها، به‌میزان قابل توجهی با اثرگذاری در بخش‌های دیگر در مجاب‌سازی تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران، جهت پایان جنگ موثر بوده است. بنابراین فرض بر این است که: عامل اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در مجاب‌سازی تصمیم‌گیران کشور، جهت قبول آتش‌بس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بوده است.

۶-۱ پیشینه و ادبیات موضوع

با وجودی که پژوهش‌ها و مطالعات قابل توجهی در زمینه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران صورت گرفته است؛ اما کارهایی که تاکنون در این زمینه انجام شده است (کتاب، رساله، مقاله، سمینار...) به‌طور مستقیم در ارتباط با این موضوع و عنوان پژوهشی نبوده است. البته کتاب اقتصاد ایران در زمان جنگ تحمیلی، تالیف دکتر فرهاد دژپسند و حمیدرضا رئوفی، مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، در بر دارنده واقعیات اقتصادی این برهه می‌باشد. در این کتاب با بررسی وضعیت اقتصادی ایران پیش و پس از ظهور انقلاب اسلامی، سعی در تبیین میزان تاثیرگذاری جنگ بر شاخص‌های مهم اقتصادی و اجتماعی ایران، اوضاع اقتصاد ایران به لحاظ رکود و رونق اقتصادی و رفتار و نحوه برخورد مدیریت اقتصادی در طول هشت سال جنگ پرداخته می‌شود و صرفاً از دیدگاهی اقتصادی جنگ را مورد مطالعه قرار می‌دهد ولی نگاه این پژوهش را به این موضوع ندارد. به‌جز این کتاب، کتاب دیگری را با این مشخصه که به‌طور مستقیم موضوع جنگ و اقتصاد را بررسی کرده باشد، در دسترس نبود و در این بین اسناد و گزارش‌ها و یا کتاب‌های اقتصادی که در ضمن بررسی‌های اقتصادی، نگاهی اجمالی به مقطع جنگ نیز داشته قابل

تامل بوده است. از جمله کتاب‌های: **اقتصاد ایران**، نوشته عبدالرضا افتخاری و علی دینی، (۱۳۷۱)، وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛ که پژوهشی درخصوص اقتصاد ایران و فرازو فرودهای آن است. **بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب**، (۱۳۶۰) بانک مرکزی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی؛ این پژوهش نیز دربرگیرنده وضعیت اقتصادی و شرایط حاکم بر اقتصاد کشور در مقطع یاد شده می‌باشد. و از یک سو تخریب‌های اقتصادی مقطع پیروزی انقلاب و از سوی دیگر تلاش‌های صورت گرفته برای خروج از وضعیت یاد شده و بهبود را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. از دیگر اسناد، کتاب **حساب‌های ملی ایران دوره ۷۹-۱۳۳۸**، (۱۳۸۱)، بانک مرکزی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی؛ معاونت امور اقتصادی دفتر اقتصاد کلان، است که شاخص‌های اقتصادی را در دوره ۷۹-۱۳۳۸ را با آمار و ارقام منتشره از سوی بانک مرکزی مورد تطبیق قرار می‌دهد. **گزارش نهایی برآورد خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی**، (۱۳۶۹)، مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه؛ که در این سند نیز با ارائه آمار و ارقام و جداول و منحنی‌ها با تفکیک ساختن زمینه‌های خسارات وارده، از جمله خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم به پردازش آن در زمینه‌های متفاوت و تفکیک شده در امور مختلف می‌پردازد و برآوردی مستند را ارائه می‌دهد. **ربع قرن نشیب و فراز: بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سال‌های ۸۲-۱۳۵۸**، (۱۳۸۳) تهران، وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی، نیز به بررسی اقتصاد کشور طی سال‌های ۸۲-۱۳۵۸ می‌پردازد که در خلال آن، اقتصاد کشور را در سال‌های جنگ تحمیلی نیز در بر دارد، شاخص‌های اقتصادی، برنامه‌های تدوینی و اجرایی توسط دولت محورهای مورد توجه در این سند است؛ از جمله این مواردند، ولیکن چنانچه بیان شد دیدگاه و اهداف مورد نظر در این پژوهش را مدنظر نداشته و از جنبه‌ها و نقطه نظرات دیگر و متفاوت، به ارائه این بحث پرداخته‌اند.

۷-۱ متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: پذیرش قطعنامه ۵۹۸

متغیر وابسته: عامل اقتصادی

۸-۱ ابعاد زمانی و مکانی موضوع (حدود و ثغور پژوهش)

محدوده زمانی مورد بحث در این پژوهش، براساس جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ (۱۹۸۰-۱۹۸۸) می‌باشد. البته در برخی موارد بنا به ضرورت و به منظور روشننگری در بحث به تحولات و اطلاعات سال‌های گذشته نیز پرداخته می‌شود. محدوده مکانی این پژوهش نیز متکی بر فضای حکومت بعث عراق و جمهوری اسلامی ایران است. البته به دلیل فراگیر بودن و جنبه بین‌المللی این بحث تحرکات قدرت‌های بزرگ، سازمان‌های بین‌المللی به خصوص سازمان ملل متحد، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس،... کانون توجه می‌باشند.

۹-۱ موانع و مشکلات موجود

از موانع موجود در راه این پژوهش می‌توان به کمبود منابع دسته اول و اسناد محرمانه یاد کرد. همچنین وجود کانال‌هایی غیرمتعارف و منتشرنشده (به دلیل محدودیت‌های سیاسی، امنیتی و یا وضعیت‌های خاص....) اشاره داشت. در این راستا می‌توان به تغییر نگرش‌ها و در عین حال برخوردهایی که ناشی از شامل شدن مرور زمان و البته برخوردهای سیاسی با واقعیات مقطع ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ است، می‌باشیم.

۱۰-۱ روش تحقیق

بررسی جنگ تحمیلی ۸ ساله ایران و عراق با تمرکز بر ابعاد اقتصادی و اثرات مخرب آن بر اقتصاد و پیامدهای خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم آن، همچنین نقش آن در مجاب‌سازی تصمیم‌گیران کشور جهت قبول آتش‌بس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، شالوده و اساس این تحقیق را شکل می‌دهد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی - تحلیلی - تاریخی خواهد بود.

۱۱-۱ روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

تحقیق حاضر اساساً کتابخانه‌ای است. روش‌شناسی آن بر پایه روش‌های اجرایی رایج و مرسوم در پژوهش‌های بین‌المللی استوار است. مباحث فصول، چهارچوب نظری، مطالعات جنگ تحمیلی ۸ ساله ایران و عراق با استفاده از کتب، مقالات، پژوهش‌های انجام شده، منابع و نشریات آماری و سایت‌های اینترنتی و بررسی در مصاحبه‌ها فراهم شده است.

۱-۱۲ جامعه آماری: روش نمونه‌گیری حجم نمونه:

جامعه آماری تحقیق حاضر، آمار متغیرهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عراق طی سال‌های وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷) است.

۱-۱۳ تعریف مفاهیم پژوهش

با توجه به مفاهیم متعددی که برخی واژگان و اصطلاحات در علوم انسانی دارند در این قسمت سعی شده تا برخی از مفاهیم اساسی در این تحقیق بر اساس آنچه مدنظر پژوهش است، ارائه شود: هزینه‌های جنگی، تحریم، تورم، سیاست مالی، سیاست پولی،...

هزینه‌های جنگی

عبارت از کلیه مخارج نیروهای مسلح و سایر سازمان‌های غیردفاعی که در یک جنگ مشارکت می‌کنند در یک تعریف گسترده‌تر خسارات جنگ اعم از تخریب زیربناها و یا تأسیسات و حتی تلفات انسانی نیز می‌تواند جزء هزینه‌های جنگی باشد اگرچه تفکیک این دو بهتر است.

تحریم

تحریم، عبارت است از تدابیری قهرآمیز که توسط کشور یا گروهی از کشورها علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز نموده و یا از معیارهای اخلاقی مقبول، تخطی کرده باشد، اعمال می‌شود. هدف تحریم‌کننده (یا تحریم‌کنندگان) آن است که کشور متخلف را مجبور کنند تا دست از اعمال خود بردارد و یا لاقلاً برای پایان دادن به رفتار غیرقابل قبولش پشت میز مذاکره بنشیند (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۲۱۳).

دو نوع تحریم مورد شناسایی است؛ تحریم‌های اقتصادی و تحریم‌های غیراقتصادی. تحریم‌های غیراقتصادی معمولاً قبل از تحریم‌های اقتصادی آغاز می‌شود و هدف آن ترغیب کشور هدف به تغییر سیاست مورد نظر است. و بسته به نوع کشور و شرایط موضوع متفاوت است، ولی می‌تواند مواردی از جمله خودداری از اعطای ویزا؛ کاهش سطح نمایندگی‌های سیاسی؛ جلوگیری از عضویت کشور هدف در سازمان‌های بین‌المللی؛ مخالفت با میزبانی کشور هدف برای میزبانی اجلاس‌های بین‌المللی؛ و خودداری از کمک‌های مالی و مساعدت‌های رسمی (این مورد خصوصاً در مورد کشورهای فقیر اعمال می‌شود) (روحانی، ۱۳۸۱: ۳۴) را در برگیرد. تحریم اقتصادی نیز اقدام برنامه‌ریزی شده‌ی یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با

مقاصد مختلف سیاسی است. تحریم اقتصادی اغلب به‌عنوان جایگزین جنگ و اعمال قوه‌ی قهریه تلقی می‌شود. مقصود از مناسبات اقتصادی نیز همه‌ی انواع روابط اقتصادی اعم از تجاری و مالی است (روحانی، ۱۳۸۱: ۶۱ - ۷۰).

تورم

تورم عبارت است از افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی می‌شود. در نظریه‌های اقتصادی، تورم را به سه نوع تقسیم می‌کنند:

- ۱- تورم خزنده (آرام - خفیف): به افزایش ملایم قیمت‌ها گفته می‌شود.
- ۲- تورم شدید (تورم شتابان یا تازنده): در این نوع تورم آهنگ افزایش قیمت‌ها تند و سریع است.
- ۳- تورم بسیار شدید (تورم افسار گسیخته - فوق تورم و ابر تورم): این نوع تورم شدیدترین حالت تورم به شمار می‌رود. که در آن برای تورم خفیف، افزایش بین ۱ تا ۶ درصد، حداکثر ۴ درصد، بین ۴ تا ۸ درصد در سال را ذکر کرده‌اند. برای تورم شدید، ۱۵ تا ۲۵ درصد در سال را نوشته‌اند. معیار تورم بسیار شدید را ۵۰ درصد در ماه یا دو برابر شدن قیمت‌ها در مدت شش ماه و... بیان داشته‌اند. البته نمی‌توان نرخ ثابتی ارائه کرد زیرا این مقادیر با توجه به شرایط زمانی و... عوض می‌شوند.

راه‌های مبارزه با تورم به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- سیاست‌های پولی و مالی: هدف این روش محدود کردن تقاضای کل است. این کار از طریق جمع‌آوری پول به شکل سرمایه‌های غیرنقدی صورت می‌گیرد (سیاست‌های انقباضی) ۲- سیاست‌های درآمدی: که در آن با دخالت مستقیم در بازار و عوامل تولیدکننده تورم کنترل می‌شود. این روش کاربردی نیست زیرا در آن مناطق زیادی نیاز به اصلاح دارند. (توانیان فرد، ۱۳۸۵، ۵۰۲-۵۰۶؛ قره‌باغیان، ۱۳۷۲، ۳۹۰-۳۸۷)

سیاست مالی^۱:

استفاده از مخارج و فعالیت‌های درآمدزای دولت برای اهداف خاص مثل کسر بودجه یا مازاد بودجه برای تنظیم ثبات و رشد اقتصادی را سیاست مالی می‌گویند. **سیاست مالی انبساطی** در شرایط عدم اشتغال کامل و بویژه در شرایط کساد بازار و اقتصاد انتخاب می‌شود و عبارت از افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات‌ها به منظور بسط فعالیت اقتصادی و رفع شکاف انقباضی است. و **سیاست مالی انقباضی** در شرایط پراشتغالی و تورم ناشی از بهره‌برداری اضافی

از منابع تولید انتخاب میشود و سیاست مناسبی جهت کاهش فشار تقاضا و تورم و یا رفع شکاف تورمی از طریق افزایش مالیات‌ها و کاهش مخارج دولتی به شمار می‌رود. (رئیس‌دانا، ۱۳۶۸، ۹۳؛ توانایان فرد، ۱۳۸۵، ۴۲۰)

سیاست پولی:^۱

در واقع به سیاست‌هائی گفته می‌شود که توسط بانک مرکزی با استفاده از ابزارهایی مثل نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار باز و ذخایر قانونی برای کنترل نقدینگی اعمال می‌شود. سیاستی که می‌خواهد از طریق تغییر و کنترل در حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و یا سایر شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات مالی به اهداف اقتصادی مورد نظر برسد. **سیاست پولی انبساطی:** به منظور مقابله با رکود و دستیابی به اشتغال کامل اتخاذ می‌شود. به طور مثال بانک مرکزی از طریق خرید اوراق قرضه از اشخاص یا دولت باعث افزایش پایه پولی و افزایش بیشتر حجم پول میشود. افزایش حجم پول باعث کاهش نرخ بهره و افزایش تقاضای کل شده، در شرایط ظرفیت خالی در اقتصاد وسیله‌ای برای نیل به اشتغال کامل است. **سیاست پولی انقباضی:** به منظور مقابله با تورم و فشار قیمت‌ها اتخاذ میشود. به طور مثال بانک مرکزی از طریق فروش اوراق قرضه به اشخاص یا بالا بردن نرخ ذخیره قانونی حجم پول را کاهش می‌دهد. کاهش حجم پول از طریق کاهش تقاضای معاملاتی، درآمد ملی و اشتغال را کاهش داده جلوی فشارهای تورمی را سد می‌کند. (رئیس‌دانا، ۱۳۶۸، ۹۸؛ توانایان فرد، ۱۳۸۵، ۶۶۸)

۱-۱۴ سازمان‌دهی تحقیق

این تحقیق به طور کلی در قالب ۶ فصل به همراه یک مقدمه و در انتها یک نتیجه‌گیری سازمان یافته است.

فصل اول، شامل کلیات پژوهش (طرح مسئله و تعریف موضوع، انگیزه‌ها و اهداف و علل انتخاب

موضوع، پیشینه و ادبیات موضوع، سوال اصلی، فرضیه اصلی، متغیرهای پژوهش، ابعاد زمانی و مکانی موضوع، موانع و مشکلات موجود، روش تحقیق...) می‌باشد. **فصل دوم:** شامل مبانی نظری است. جنگ و اندیشه‌ی نظامی در تفکرات صاحب‌نظران جهان، اهداف جنگ‌ها، ویژگی جنگ‌ها، انواع و اقسام جنگ‌ها در دوران معاصر، اقتصاد در جنگ و شاخص‌های یک اقتصاد در حال جنگ بررسی می‌شود. **فصل سوم** با رویکردی علی به انگیزه‌ها و علل وقوع جنگ تحمیلی عراق - ایران در سه سطح نظام بین‌الملل، سطح منطقه‌ای و سطح ملی می‌پردازد. **فصل چهارم** تاثیرات

جنگ بر اقتصاد ایران با توجه به مبانی نظری اشاره شده در فصل دوم و در راستای توضیح آن پرداخته می‌شود. در فصل پنجم نیز با توجه به هدف این تحقیق، به عوامل منتهی به قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌پردازد و در آن ضمن بررسی این عوامل، نسبت به تحلیل آن در راستای این مقطع زمانی تبییناتی صورت می‌گیرد. و در نهایت حاصل این مباحث در نتیجه‌گیری خواهد بود.

فصل دوم

مبانی نظری

هرکشوری برای پیمودن مسیر تکامل خود، طرح‌های مختلف توسعه را ارائه می‌کند و با بسیج تمام نیروهای مادی و انسانی، اهداف مورد نظر را تحقق عینی می‌بخشد. از جمله عواملی که در این فرایند اثری کاملاً ملموس دارد، پدیده‌ی جنگ و تبعات گوناگون آن است. هرچنگی هم دارای کارکردهای مثبت و هم منفی است و لذا جامعه‌شناسان درصددند تا با کالبدشکافی جنگ‌ها تأثیر آن را بر فرایند تکاملی اقتصادی- اجتماعی جوامع بیان کنند.

۲-۱ جنگ

۱-۱-۲ جنگ و اندیشه‌ی نظامی در تفکرات صاحب‌نظران جهان

جنگ^۱ پدیده‌ی اجتماعی مهمی است که در دگرگونی شرایط زیستی - محیطی انسان‌ها از دیرباز نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و با تاریخ حیات انسان‌ها عجین بوده است. بنابراین اندیشمندان بزرگ از گذشته‌های دور تاکنون درباره‌ی جنگ به نظریه‌پردازی دست زده و درباره‌ی ویژگی‌ها و خصوصیات آن اظهارنظر نموده‌اند. این جمله که تعریف پدیده‌های علمی از مشکل‌ترین امور می‌باشد، در ظاهر منسوب به ارسطوست و چون اختلاف آراء و عقاید در علوم انسانی امری بدیهی است، پس هر دیدگاه به نوعی تعریفی ارائه می‌نماید. در تعریف جنگ نیز آراء زیادی دیده می‌شود.

جنگ عبارت است از وضعیتی است که به رسمیت شناخته شده و از دیدگاه اجتماعی، جنگ حالتی است که در آن دسته‌های نظامی مسلح با دامنه‌ای گسترده، میان دو یا چند دولت یا حکومت، روبه‌روی یکدیگر قرار گیرند و به زد و خورد پردازند. در حقوق جهانی معاصر جنگ عبارت است از کشمکش مسلحانه میان دو یا چند کشور، که هر یک ادعا دارد؛ دارای حق حاکمیت ملی است. به اعتقاد آلن بیرو، واژه‌ی جنگ از ریشه‌ی آلمانی *werra* گرفته شده که به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها (جنگ خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی) صورت می‌گیرد (الن بیرو، ۱۳۶۶: ۴۴۹). اساس جنگ‌های خارجی تضاد منافع دولت‌ها با یکدیگر است که نشان دهنده‌ی عدم تفاهم و بی‌ثمر بودن مذاکرات سیاسی بوده است. جنگ خارجی به مبارزه‌ی مسلحانه‌ای گفته

1- War

می‌شود که علیه نیروهای بیگانه‌ی مستقر در داخل مرزهای یک کشور صورت می‌گیرد. به عقیده‌ی ارسطو، بدعت‌های سیاسی در شهرهای یونان، قبل از آن که نکوهیده یا پسندیده باشند، معلول برخورد منافع و کشمکش‌های اغنیاء و تهیدستان است. دیدگاه‌ها و استدلال ارسطو بیشتر بر پایه‌ی اخلاقیات است و برتری هوش و دانش خدایگان را بهانه‌ی سروری آنها بر بندگان می‌داند و عقایدش درباره‌ی لزوم تسلط یونانیان بر مردم نتیجه‌ی تعصبات ملی اوست (ارسطو، ۱۳۷۱: ۱۹). افلاطون برای نشان دادن نظریاتش یک نمونه از مدینه‌ی فاضله یا آرامان‌شهر را طراحی می‌کند و برای جلوگیری از بحران‌های سیاسی و اقتصادی در این شهر نمونه، می‌گوید باید از جمعیت ثابت و کنترل شده استفاده نمود. نیکولو ماکیاولی^۱ سرچشمه دولت را در جنگ و ادامه حیات دولت را منوط به کشورگشایی و توسعه قلمرو دانسته است (ماکیاولی، ۱۳۷۴).

اگوست کنت معتقد است که؛ جنگ در جامعه‌ی صنعتی نقشی ندارد و کارکرد اصلی و اولیه‌ی جنگ‌ها در مرحله‌ی ربانی بوده است تا انسان‌های تنبل و هرج و مرج طلب را وادار به قبول کار منظم و تمدن‌سازی نماید. بنابراین از دیدگاه او جنگ به لحاظ تاریخی، نقشی دوگانه بازی کرده بود: مانوس کردن آنها به کار توأم با نظم و تشکیل دولت‌های بزرگ.

اسپنسر، جوامع انسانی را بر حسب پیچیدگی‌شان به جوامع جنگجو و جوامع صنعتی تقسیم‌بندی کرده بود. این طبقه‌بندی بر یک نظریه‌ی اجتماعی استوار بود که اظهار می‌داشت: انواع ساختارهای اجتماعی به رابطه‌ی همسایگی یک جامعه با جوامع دیگر بستگی دارد (ادیبی سده، ۱۳۸۵: ۷۷).

کلازویتز تفوق سیاسی عامل مهمی در جلوگیری از وقوع جنگ‌هاست و در صورت عدم موفقیت دیپلماسی یک کشور در حل بحران‌های سیاسی با مخالفان خود، سربازان و نظامیان وارد صحنه‌ی جنگ، درگیری و حل بحران می‌شوند. به همین دلیل او می‌گوید: در واقع جنگ‌ها تبلور و تجلی سیاست هستند. سیاست را نباید تابع جنگ کرد، این کار اشتباه است؛ چرا که عامل سیاسی، جنگ را برپا داشته است. عامل سیاسی دارای توان ادراک است: جنگ فقط ابزار سیاست است و نه برعکس. بنابراین تنها راه این است که دیدگاه نظامی تابع دیدگاه سیاسی باشد (بوتول، ۱۳۶۸: ۲۱). منتسکیو انسان را مقدم بر جامعه می‌داند. او می‌گوید جنگ بیش از آنکه نمودی انسانی باشد، نمودی اجتماعی است و هدف سیاست آن است که جنگ و نابرابری را در جامعه تخفیف دهد. بنابراین بر خلاف هابز، وی خاستگاه جنگ را در خصایص طبیعی انسان نمی‌داند (ارون، ۱۳۶۳: ۶۲).

1 Machiavelli, Niccolo